

پیشگفتار

امروزه برخورد صرفاً کیفری با پدیده‌های مجرمانه امری مذموم و نادرست تلقی می‌شود، از این رو، حقوق کیفری جای خود را به سیاست جنایی واگذار کرده است. البته، این امر به معنی کنار نهادن حقوق کیفری در برخورد با پدیده‌های مجرمانه نیست. زیرا، حقوق کیفری همچنان جزئی از سیاست جنایی و به عبارت درست‌تر جزء اصلی آن است.

نکته مهمی که باید در باب سیاست جنایی به آن توجه داشت آن است که همانند جرم‌انگاری، که با توجه به اوضاع و خصوصیات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر جامعه‌ای کیفیت و کمیت آن متفاوت است نوع سیاست جنایی مورد اجرا در کشورهای مختلف نیز متفاوت است. در این میان در برخی موارد علاوه بر جنبه‌های مختلف مذکور که در نوع سیاست جنایی متخذه مؤثرند می‌توان از تأثیرگذاری جغرافیا بر سیاست جنایی نیز صحبت نمود و در مورد ایران این خصوصیت در بعد مقابله با مواد مخدر از اهمیت بسزایی برخوردار است.

نکته دوم آن است که مهم نیست از واگذاری نقش انحصاری حقوق کیفری به سیاست جنایی صحبت نمود بلکه مهم‌تر آن است که بینیم سیاست جنایی متخذه از طرف قانون‌گذار یک کشور در مقابله با پدیده مجرمانه مورد نظر یک سیاست جنایی صحیح تلقی می‌شود یا نه؟ به عبارت دیگر نوع سیاست جنایی متخذه و نوع رویکرد موجود در سیاست جنایی از اهمیت زیادی برخوردار است. چه بسا ممکن است قانون‌گذار، سیاست جنایی نادرستی را در پیش گیرد که اهداف مورد نظر از مقابله با پدیده مجرمانه مورد نظر نه تنها حاصل نشود بلکه وضعیت را بدتر هم بنماید. در این نوشتار سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مواد مخدر بررسی و تلاش

شده است ابعاد مختلف آن - به خصوص بعد تقنینی آن - با دقت بیشتری شکافته شود.

بحث پیرامون سیاست جنایی در سالهای اخیر در قبال پدیده‌های مجرمانه مختلف و به خصوص در قبال جرایم مواد مخدر در ایران را باید مرهون تلاشهای سه استاد بزرگ حقوق کیفری ایران، آقایان دکتر محمد آشوری، دکتر علی آزمایش و دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانست که به مناسبت‌های مختلف با انتقاد از قانون‌گذار در استفاده بی‌حد و حصر از حقوق کیفری ذهن دانشجویان را برای تجزیه و تحلیل مباحث کیفری از بعد سیاست جنایی آماده ساخته‌اند و بی‌تردید بدون این آماده‌سازی ذهنی این سه استاد بزرگ امکان طرح بحث سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مواد مخدر با این کیفیت میسر نمی‌شد. از این رو لازم است مراتب سپاس خود را از آنان اعلام دارم.

جای بسی بی‌انصافی خواهد بود که از استاد بزرگ حقوق کیفری آلمان، خانم دکتر سلویا تلنباخ، که با نهایت صداقت و صمیمیت زمینه را برای استفاده دانشجویان ایرانی از فرصت مطالعاتی در مؤسسه ماکس پلانک در شهر فرایبورگ فراهم می‌نمایند و همین امر در گستره ذهنی دانشجویان ایرانی و از جمله اینجانب در تجزیه و تحلیل مطالب از بعد سیاست جنایی تأثیر بسزایی داشته است، تشکر نشود.

مقدمه

«برخی از موضوعات به‌رغم آنکه به کرات مورد بحث و مطالعه قرار گرفته‌اند، همواره نو بوده و راه مطالعات جدید دربارهٔ آنها باز است؛ بحث مواد مخدر از جمله این موضوعات محسوب می‌شود»^۱، زیرا در بین موادی که برای بشر هم سودمند و هم اعتیادآور و زیان‌بخش‌اند، مواد مخدر اهمیت ویژه‌ای دارد و جوامع را - چه ملی و چه بین‌المللی - متوجه خود ساخته است.^۲

از تاریخ دقیق کشف و مصرف مواد مخدر اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی مسلم است که بشر از مدت‌ها پیش به قدرت تسکین‌دهندهٔ مواد افیونی پی برده و از آنها برای تسکین درد خود استفاده می‌کرده است. به اعتقاد برخی از محققان، «تریاک یکی از شناخته‌شده‌ترین داروها برای نوع بشر بوده است. سومریها - که در عراق امروزی زندگی می‌کرده‌اند - پنج هزار سال قبل از میلاد مسیح، کاشت و برداشت تریاک را توصیف کرده‌اند و در بین سنگ‌نبشته‌های به دست آمده از مردمی که چهار هزار سال قبل در سویس زندگی می‌کرده‌اند، به دانه‌ها و کپسولهایی از تریاک اشاره شده است. کارشناسانی که کپسولها و دانه‌های مزبور را بررسی کرده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که به احتمال زیاد دانه‌های مزبور، به منظور به دست آوردن عصارهٔ مخدر آنها کاشته شده‌اند. در قرن پنجم قبل از میلاد، ملوس^۳ (از اهالی دیاگورا^۴) دربارهٔ عدم مصرف تریاک بسیار توصیه می‌کرد؛ ولی یکصد

۱. پرادل، ژان (۱۳۷۹)، ص ۳-۱۷.

۲. عاملی، باقر (۱۳۵۶)، ص ۸۰-۱۱۵.

3. Melos

4. Diagora

سال بعد هیپوکریتس^۱ [بقراط] توصیه می‌کرد که عصارهٔ تریاک مصرف شود.^۲ شاید یکی از منابع اولیه که در آن به تریاک اشاره شده، کتاب *اودیسسه* هومر باشد، آنجا که پادشاه مصر به هلن اهل تروا^۳ هدیه‌ای از داروها به نام نپنته^۴ می‌دهد.^۵ برخی دیگر از صاحب‌نظران معتقدند:

«تریاک شش هزار سال قبل در آسیای صغیر شناخته شده بود، سپس دانش تریاک به اروپا و در قرن هشتم میلادی به هند و چین رفت.

تریاک در چین برای مدت بیش از هزار سال پس از وارد کردن آن به چین به دست اعراب، منحصراً برای اهداف پزشکی، مثل درمان مالاریا و اسهال خونی استفاده می‌شد. با این حال در قرن هفدهم میلادی - که کشیدن تنباکو با هدف مخلوط کردن با تریاک به خاور دور معرفی شد - نقطهٔ عطفی در آن پیدا شد. این ترکیب (تنباکو و تریاک) برای مقابله با بیماریهای گرمسیری مختلف استفاده می‌شد، ولی اثر شادی‌بخشی که با افزودن تریاک به تنباکو ایجاد می‌شد به‌زودی در نتیجهٔ استعمال تریاک توسط چینیها آشکار شد.

در سال ۱۷۲۹ مصرف تریاک در چین به قدری گسترش پیدا کرد که پادشاه آن کشور فرمان ممنوعیت آن را صادر کرد، ولی این دستور اصلاً مؤثر نبود؛ زیرا شرکت هند شرقی که تحت نظارت بازرگانان بریتانیایی اداره می‌شد، نظارت انحصاری تریاک را در سال ۱۷۸۱ از هلند گرفته بود و از این‌رو آنان قاچاق آن را به چین تشدید کردند. در سال ۱۸۰۰ دومین فرمان شاهی مبنی بر ممنوعیت کشت و واردات تریاک به چین صادر شد، اما این فرمان به وسیلهٔ شرکت هند شرقی نادیده گرفته شد و قاچاق تریاک به چین ادامه یافت، به دلیل اینکه قاچاق مواد مخدر سود سرشاری برای آنان دربر داشت و قاچاقچیان هم به مأموران چینی رشوه می‌دادند تا قاچاق آنان را نادیده بگیرند؛ از این‌رو، دولت چین ارتباط مأموران خود را با

-
1. Hipocrates
 2. O'Callaghan, Sean (1970), p. 19.
 3. Hellen of Troy
 4. Nepenthe
 5. Gossop, Michael (2000), p. 7.

بازرگانان خارجی ممنوع کرد و جریمه‌های بسیار سنگینی را برای چینیانی که زبان چینی را به خارجی‌ان یاد می‌دادند وضع کرد؛ ولی هیچ‌کدام از این تدابیر ثمره‌ای در برداشت و تجارت تریاک روزه‌روز رونق می‌گرفت، لذا دولت چین تصمیم گرفت تدابیر شدیدتری اتخاذ کند. برای این منظور شخصی به نام «لین تسه هسی» را - به عنوان مأمور مخصوص - برای از میان بردن قاچاق تعیین کرد و او نیز به اقدامات سریع و جدی‌ای دست زد. از جمله اینکه برای رسیدگی به امر قاچاق تریاک، به بندر کانتون در جنوب چین رفت و دستور بازرسی کشتیهای هندی را برای کشف قاچاق صادر کرد. این امر باعث شد که بین قاچاقچیان و مأموران چینی درگیریهای مسلحانه صورت بگیرد. لین تسه هسی از بازرگانان خواست که تریاکهای کشف شده را به وی تحویل دهند، ولی چون آنان از این دستور سر باز زدند، آنان را در محلی حبس کرد و اجازه خروج نداد و حتی مانع رسیدن غذا به آنان شد. سرانجام در سال ۱۸۳۹ دولت چین ۲۰ هزار جعبه تریاک را مصادره کرد، که این کار به جنگ تریاک بین انگلستان و چین منجر شد.

بعد از پیروزی بریتانیا در اولین جنگ (۱۸۳۹-۱۸۴۲) دولت چین، هنگ کنگ را که بریتانیا در سال ۱۸۴۱ اشغال کرده بود، به او واگذار کرد و همچنین مبالغ هنگفتی به عنوان خسارت تریاکهای از بین رفته و هزینه جنگی به آن کشور پرداخت.

بریتانیا به افزایش تجارت تریاک ادامه داد و در نتیجه دومین جنگ تریاک (۱۸۵۶-۱۸۶۰) روی داد. از این رو دولت چین مجبور به قانونمند کردن تجارت تریاک شد و پیروزی دوم بریتانیا نیز به واگذاری کولون^۱ و دیگر بنادر مورد توافق به بریتانیا منجر شد. به خاطر هزینه بالای تریاک وارد شده، دولت چین شروع به تولید تریاک کرد و در سال ۱۹۰۰ شش برابر میزان وارد شده از هند، تریاک تولید کرد. علاوه بر تریاک، کشورهای انگلستان، فرانسه، آلمان و سوئیس، مقدار زیادی هروئین و مرفین به چین فرستادند. در سال ۱۹۰۶ تریاک به قدری کشور چین را

تهدید می کرد که دولت چین یک برنامه ممنوعیت ده ساله را به اجرا در آورد. به علاوه شدیدترین کنترل‌های بازدارنده حکومت چین و نیز مجازات‌های خیلی شدید، از جمله بریدن سر، به اعتیاد مردم خاتمه داد. دولت انگلستان نیز به خاطر ترس از افکار عمومی مردم، پس از کنوانسیون بین‌المللی تریاک که در ۱۹۱۲ در لاهه برگزار شد، با محدودیت و سپس توقف صدور تریاک به چین موافقت کرد.

با این حال، بین سالهای ۱۹۱۳ و ۱۹۱۷ با کاهش قدرت حکومت مرکزی در چین و فساد حاکمان محلی، فرماندهان نظامی، قاچاق و کشت مجدد تریاک را تشویق کردند. به علاوه کارگران و تاجران چینی اعتیاد به تریاک را به خاور دور، مثل ماکائو،^۱ هندوچین، کره و فرموز^۲ بردند.^۳

تخمین زده می شود که در سال ۱۹۵۶ میلادی، ۲۵ درصد جمعیت بزرگسال چینی به طور متناوب تریاک مصرف می کرده‌اند و ۴۰ میلیون نفر معتاد به تریاک بوده‌اند.

در جهان امروز نیز مصرف و قاچاق مواد مخدر - به خصوص با توجه به افزایش سریع اعتیاد و قاچاق مواد مخدر طی دو دهه اخیر - یکی از چالش‌های بسیار بزرگ را فرا روی بشر نهاده است. جامعه بین‌المللی با درک آثار زیانبار اقتصادی و اجتماعی ناشی از سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر در این زمینه احساس مسئولیت کرده و تاکنون با تصویب سه کنوانسیون عمده بین‌المللی (معاهده واحده درباره مواد مخدر مصوب ۱۹۶۱ میلادی، کنوانسیون مواد روانگردان مصوب ۱۹۷۱ میلادی و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب ۱۹۸۸ میلادی) و با جلب توجه کشورهای جهان به اهمیت مسئله و با همکاری آنان خواسته است به مقابله با این مشکل پردازد.^۴

جامعه ایران نیز از این معضل در امان نبوده و همواره مشکل مواد مخدر توجه

1. Macao

2. Formosa

3. Lewin, Levi (1980), pp. 246, 260 & 268.

4. Albrecht, Hans-Jorge (2001), p. 49.

خانواده‌ها و دولت را به خود جلب کرده و اتخاذ سیاستی معقول را در این مورد ضروری ساخته است.^۱

کشورها، هر یک به گونه‌ای درگیر مسئله مواد مخدر هستند؛ برخی از این کشورها درگیر کشت، برخی مصرف و یا قاچاق و سرانجام برخی دیگر ترانزیت مواد هستند. از این رو، برحسب نوع مسئله‌ای که با آن درگیرند، کشورها را کشورهای تولیدکننده، قاچاقچی و مصرف‌کننده و ترانزیت می‌نامند. ایران از جمله کشورهای ترانزیت و مصرف‌کننده است.

ایران کوتاه‌ترین راه قاچاق مواد مخدر تولیدی در افغانستان به کشورهای غربی است. عمده مواد مخدر تولیدی در افغانستان به طور مستقیم از طریق مرزهای مشترک با ایران و یا به طور غیرمستقیم از طریق مرزهای پاکستان وارد ایران می‌شود.^۲ مقابله با ورود این مواد به عنوان «مبارزه با قاچاق مواد مخدر» یکی از معضلات اساسی ایران است.

با توجه به آثار شوم پدیده مواد مخدر از نظر اقتصادی،^۳ اجتماعی و سیاسی، لزوم اتخاذ سیاستی جامع و کاربردی (سیاست جنایی) در قبال مبارزه و مقابله با مواد مخدر، بیش از پیش احساس می‌شود. جنبه غالب سیاست اتخاذ شده از طرف کشورها را در این مورد سیاست کیفری تشکیل می‌دهد، ولی باید توجه داشت که

۱. «بر اساس یک نظرسنجی که در سال ۱۳۷۶ بین ۱۳۴۷ نفر (۶۸۳ مرد و ۶۶۴ زن) در مقطع سنی ۱۶ سال به بالا در بیست منطقه تهران از طرف ستاد مبارزه با مواد مخدر با مشارکت مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی (وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) با پرسشنامه در خصوص نظریه شهروندان در مورد تشدید مجازات معتادان و سوداگران مرگ صورت گرفته است، از دیدگاه مردم تهران اعتیاد در رده سوم مشکلات اجتماعی (پس از بی‌کاری و تورم) قرار دارد. همچنین ۵۰ درصد از پاسخگویان در میان خود یک فرد معتاد و ۲۲ درصد آنان عامل خرید و فروش مواد مخدر را می‌شناخته‌اند» (ر.ک.: طرح نظرسنجی از شهروندان تهران درباره تشدید مجازات معتادان و سوداگران مواد مخدر (۱۳۷۶)).

۲. بررسی روند اعتیاد و قاچاق مواد مخدر در ایران (۱۳۷۸)، ص ۵۰.

۳. پولهای حاصل از قاچاق مواد مخدر موجب ایجاد اقتصادی به نام اقتصاد مواد مخدر معروف به «نارکو دلار» (narco dollar) شده است (Booth (1996), p. 312).

سیاست کیفری تنها بخشی از سیاست جنایی به شمار می‌رود.

به طور کلی، سیاست دولتها را از نظر نظارت و محدودیت مواد مخدر می‌توان از دو دیدگاه بررسی کرد، که هر کدام بیانگر یک شیوه و الگوی نظارت هستند؛ یک شیوه مبتنی بر حقوق کیفری است که در آن دولت سعی می‌کند با استفاده از اهرمهایی که حقوق کیفری در این زمینه در اختیار آن قرار می‌دهد به نظارت بر مواد مخدر و مبارزه با آن پردازد، از این رو افکار حاکم بر این نحوه نظارت، افکار حقوق جزایی است. نوع دوم شیوه اداری (غیر کیفری) نظارت بر مواد مخدر است که در داخل این شیوه می‌توان از بهداشت عمومی و دیدگاههای پزشکی صحبت کرد.^۱

از تفاوت بین نحوه نگرش این دو شیوه به این قضیه، دو نکته قابل توجه است؛ اول آنکه ماهیت پاسخها به رفتار مورد نظر، بر حسب اینکه شیوه کیفری باشد یا غیر کیفری، فرق می‌کند؛ با این توضیح که در شیوه کیفری، اولاً پاسخها جنبه سرکوبگرانه دارند و ثانیاً ممکن است الزاماً بازدارنده نباشند، بلکه حالت انتقامی هم داشته باشند. در حالی که در شیوه اداری، پاسخها اصلاحی و بازدارنده است. نکته دوم اینکه با توجه به نوع نگرش حاکم بر این دو شیوه مورد بحث که یکی از آنها (شیوه اداری) بر بهداشت عمومی و جنبه‌های پزشکی تأکید می‌کند، می‌توان گفت که شیوه دوم پاسخهایش به طور مستقیم به بحث ما - که ناظر بر مبارزه با قاچاق مواد مخدر است و نه مبارزه با مصرف و سوء مصرف - ارتباطی ندارد، ولی هر دو شیوه از نظر مبارزه با مصرف یا سوء مصرف اشتراک موضوعی دارند.

مشکل مواد مخدر با نوساناتی که بیشتر سیر صعودی داشته است، امروزه نیز در جامعه جهانی و از جمله ایران خود را نشان می‌دهد. در ایران طبق آمار رسمی یک میلیون و دویست هزار نفر معتاد و هشتصد هزار نفر مصرف‌کننده تفتنی^۲ و طبق

1. Derks, Jack (1999), pp. 7-28.

۲. سالنامه آماری ۱۳۷۹، ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، ص ۲.

آمار غیر رسمی تقریباً ۶ میلیون نفر معتاد و مصرف‌کننده تفریحی وجود دارد،^۱ که بیشترین ماده مخدر مصرفی آنان هروئین، مرفین، تریاک و حشیش است. با توجه به اعلام دولت مبنی بر ریشه‌کنی کشت خشخاش در ایران، مواد مخدر مورد مصرف معمولاً از کشورهای همسایه - که تولیدکنندگان عمده مواد مخدر در جهان هستند - وارد می‌شود؛ ولی مشکل فقط به این مسئله ختم نمی‌شود، بلکه علاوه بر وارد کردن مواد مخدر مورد مصرف به کشور، با توجه به مسیر مناسب ایران برای ترانزیت مواد مخدر به کشورهای اروپایی، ایران یک کشور ترانزیت نیز هست. پس می‌توان گفت مشکل فعلی ایران در رابطه با مواد مخدر این است که هم به عنوان یک کشور مصرف‌کننده و هم به عنوان یک کشور ترانزیت با معضل مواد مخدر دست و پنجه نرم می‌کند.

بررسی میزان نقش حقوق‌کیفری در ایجاد و تحول سیاستهای مربوط به مواد مخدر و نیز سنجش سیاست جنایی در گذشته و اتخاذ یک سیاست جنایی کارآمد ناظر به آینده، نیازمند یک بررسی تاریخی است؛ زیرا در موضوع مورد بحث ما برای روشن شدن سیاست برخورد و مقابله با مواد مخدر در یک کشور یا یک جامعه معین، باید به ریشه‌های تاریخی و نیز تحولات تاریخی سیستم کنترل فعلی توجه کرد. مسلم است که جنبه‌های تاریخی و فهم تغییرات صورت گرفته در طول زمان از نظر سیاستهای اتخاذ شده، نقش مهمی در تحلیل سیاست جنایی دارد. در این کتاب، تمامی مشکلاتی که بیان شد از دیدگاه سیاست جنایی به تفصیل بحث و بررسی شده است و تلاش شده تا با دید انتقادی مسائل و مشکلات سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق مواد مخدر ارزیابی علمی شود.